

تحول نثر فارسی در نیم قرن اخیر

III

« فرهنگستان »

ایرانیان از روزیکه با اروپائیان و تمدن آنان آشنا شدند، بفکر تاسیس فرهنگستان یعنی هیئتی که نگهدار زبان فارسی و فرهنگ ایرانی باشد افتادند.

بطوریکه روزنامه «عصر جدید» در شماره ۲۵ سال ۱۳۳۳ قمری مینویسد: «یکی دیگر از خیالات غریب که برای بعضی از رفقا آمده است این است که بجهت تکمیل زبان فارسی باید انجمنهای علمی و ادبی و بعبارت اخیری آکادمی تاسیس نمود که وضع لغات و جعل اصطلاحات جدید نماید.»

بعد در مورد وظایف چنین انجمنها مینویسد: «گمان کرده اند در ممالک خارجه که آکادمیها و انجمنهای علمی و ادبی هست این کار را میکنند غافل از اینکه جعل لغات و اصطلاحات کار انجمنها نیست بلکه اهل علم و فضل در ضمن تحریر و تقریر از روی ذوق و سلیقه خود هنگام وقت و ضرورت اصطلاحی اختیار میکنند، در صورتی که از روی قاعده و تناسب اختیار کرده باشند آن اصطلاح بالطبع مقبول و رائج میشود و انجمنهای علمی و ادبی اگر در تکمیل علم و ادب کار میکنند باشکال دیگر است و غالباً وظیفه آنها تشویق و ترغیب اهل کمال و تسهیل امور ایشان است.»

باری بعدها گروهی از دانشمندان چه در تهران و چه در شهرستانها دور هم گرد آمده انجمنهایی تشکیل دادند ولی تا سال ۱۳۱۴ شمسی اقدام رسمی در اینخصوص بعمل نیامد.

قریب ۵ ماه قبل از تاسیس فرهنگستان وزارت فرهنگ انجمنی بنام «آکادمی طب» تشکیل داد و اساسنامه ای هم بر آن نوشته شد که بغیر از وضع لغات و اصطلاحات جدید - نسبت به ترجمه کتب، جمع آوری لغات و اصطلاحات موجوده،

تهیه فرهنگها، تشویق فضلا و محققین بتحقیقات علمی و ادبی و... نیز در اساسنامه توجه کامل شده بود ولی پیش از آنکه مفاد آن بموقع اجرا گذاشته شود (بطوریکه قبلا نیز ذکر شد) نسبت باصلاح زبان و پیراستن آن از لغات بیگانه و طرز نگارش فارسی، اندیشه‌های تند و افراط آمیزی بوجود آمد و عدهٔ بیشماری بصرف تعصب و غرور ملی خواستند بجای تمام الفاظ عربی که قرنهای متمادی وسیله تکلم خاص و عام گردیده، لغات جدیدی وضع کنند، یا بعضی از کلمات متروک فارسی را جانشین الفاظ مانوس عربی سازند - دیری نگذشت که این شیوه در جراید و مجلات نیز راه یافت. حتی سره نویسان در صدد بر آمدند که از واژه‌های نو (که غالبا محصول فکر خود آنها بود) در مکاتبات اداری نیز استفاده نمایند و ...

ولی چون وضع لغات واصطلاحات از طرف يك کانون رسمی و واحدی انجام نمیگرفت مشکلاتی تولید کرد که نظر اولیای امور و ارباب فضل را بیش از پیش بخود متوجه ساخت و فکر تاسیس فرهنگستان را تقویت نمود؛ تا وزارت فرهنگ اساسنامه آنرا که توسط عده‌ای از فضلاء کشورت تهیه شده بود در جلسهٔ ۲۹ اردیبهشتماه ۱۳۱۴ بتصویب هیئت دولت رسانید .

وظایف آن طبق ماده (۲) اساسنامه مذکور بقرار زیر بوده است :

- ۱- ترتیب فرهنگ بقصد رد و قبول لغات واصطلاحات در زبان فارسی .
- ۲- اختیار الفاظ واصطلاحات از هر رشته از رشته‌های زندگانی با سعی در اینکه حتی الامکان فارسی باشد .
- ۳- پیراستن زبان فارسی از الفاظ نامتناسب خارجی .
- ۴- تهیه دستور زبان واستخراج و تعیین قواعد برای وضع لغات فارسی واخذ یا رد لغات خارجی .
- ۵- جمع آوری لغات واصطلاحات پیشه‌وران وصنعتگران .
- ۶- جمع آوری الفاظ واصطلاحات از کتب قدیم .
- ۷- جمع آوری لغات واصطلاحات واشعار وامثال وقصص ونوادر وترانه‌ها و آهنگهای ولایتی .

- ۸- جستجو و شناساندن کتب قدیم و تشویق بطبع و نشر آنها .
 ۹- هدایت افکار بحقیقت ادبیات و چگونگی نظم و نثر و اختیار آنچه از ادبیات گذشته پسندیده است و رد آنچه منحرف میباشد و راهنمایی برای آینده .
 ۱۰- تشویق شعرا و نویسندگان در ایجاد شاهکارهای ادبی .
 ۱۱- تشویق دانشمندان بتالیف و ترجمه کتب سودمند بفارسی فصیح و مائوس .
 ۱۲- مطالعه در اصلاح خط فارسی .

خلاصه : دوراندیشان بدینوسیله موفق شدند جنبش افراط آمیز را در طریق اعتدال بیندازند و فکر « پارسی سره » را بروش « پیراستن زبان از الفاظ نامتناسب خارجی » مبدل سازند . (۱)

برای اجرای بندهای ۱-۲-۳-۵-۶ از ماده مذکور فرهنگستان، بجمع آوری و بازبینی و رد و قبول و یا وضع لغات و اصطلاحات علمی، اداری و غیره دست زد و معادل‌هایی برای الفاظ بیگانه تهیه کرد که بیشتر آنها مورد استقبال عوام و خواص واقع گردید . مثل :

آتش نشانی	(بجای)	اطفایه	پیش آمد	(بجای)	حادثه
آسایشگاه	«	ساناتوریم (۲)	تیمارستان	«	دارالمجانین
آموزش و پرورش	«	تعلیم و تربیت	جانشین	«	قائم مقام
آموزشگاه	«	مدرسه	خاور	«	مشرق
اندام	«	عضو	دستمزد	«	حق الزحمه
باز پرس	«	مستنطق	رسیدگی	«	تحقیق
بازداشت	«	توقیف	زندان	«	محبس
بازرس	«	مفتش	شهربانی	«	نظمیه
بیمارستان	«	مریضخانه	شهرداری	«	بلدیه
پیرامون	«	محیط	فرهنگ	«	معارف و غیره

۱- برای اطلاع بیشتر، از تاریخچه فرهنگستان رجوع کنید به «نامه فرهنگستان» سال اول

همچنین است ترکیبات فارسی که بجای عبارات عربی پذیرفته شده :	
روشن تر از آفتاب (بجای) اظهر من	روز افزون (بجای) دائم الزاید
رفت و آمد « ایاب و ذهاب	نشدنی « غیر ممکن الوقوع
نو بنیاد « جدید الاحداث	روی هم رفته « من حیث المجموع
گیر و دار « حیص و بیص	و همچنین « وقس علی ذلك

وهزاران لغات و ترکیبات دیگری که در کتابچه‌ای بنام « واژه های نو » جمع آوری گشته است .

اکثر این واژه‌ها در کتب علمی و کلاسی و نامه‌های اداری و جراید و مجلات و ..
جانشین الفاظ بیگانه گردید و بدینوسیله تحولی در نشر معاصر بعمل آمد که اینک برای
نشان دادن آن نمونه‌های مختصری از کتب کلاسی، نامه‌های اداری نقل میشود :

نمونه (۱) :

« برای بعضی از کارها چندین اندام باهم کار میکنند، مجموعه این اندامها
را «دستگاه» میگویند، مانند دستگاه گردش خون که از دل و سرخ رگها و
سیاه رگها و رگهای موئین تشکیل مییابد.

در جانوران « پریاخته » دستگاهها از این قرارند : نخست - دستگاه
گوارش. دوم-دستگاه دم زدن . سوم- دستگاه گردش خون : چهارم- دستگاه دفع
پنجم دستگاه پی ها ، (۱)

اصطلاحات تازه	لغات قدیم	اصطلاحات تازه	لغات قدیم
اندام	عضو	جانوران	حیوانات
بجای	«	پریاخته	«
دستگاه	جهاز	دستگاه گوارش	جهاز هاضمه
«	دوران دم	دستگاه دم زدن	جهاز تنفس
گردش خون	«	دستگاه پی ها	«
سرخ رگ	«	نخست	«
«	شریان		
سیاه رگ	«		
«	ورید		
رگهای موئین	«		
«	عروق شعریه		

نمونه (۲) :

« ترازمندی چند آبگون در ظرفهای پیوسته . آزمایش نشان میدهد که :
در دو ظرف پیوسته بلندی سطحهای آزاد دو آبگون آمیزش ناپذیر از سطح
جدائی آنها به نسبت عکس سنگینیهای ویژه دو آبگون میباشد » (۱)

ترازمندی	بجای	تعادل	بلندی	بجای	ارتفاع
آبگون	«	مایع	آمیزش ناپذیر	«	غیر قابل اختلاط
ظرفهای پیوسته	«	ظروف مرتبطه	سنگینی	«	وزن
آزمایش	«	امتحان	ویژه	«	مخصوص

نمونه (۳) :

« خاستگاه چشمه‌های گانی : چنانکه پیش از این در قسمت آبهای فرورو
بیان نمودیم چشمه‌های آبگرم معدنی از حیث خاستگاه یا منشأ خود بر دو گونه‌اند.
یکدسته چشمه‌هایی هستند که بر اثر فرو رفتن آبهای سطح زمین در لایه‌های ژرف
آن تشکیل یافته و از حرارت زیاد درون زمین گرم شده و در جاهای مناسب آفتابی
میشوند » (۲)

خاستگاه	بجای	ژرف	لایه	بجای	طبقه
گانی	«	معدنی	ژرف	«	عمیق
فرورو	«	نافذ	درون	«	داخل
گونه	«	نوع	آفتابی	«	ظاهر

نمونه (۴) :

« میتوان سازه‌ای را از زیر ریشگی بیرون آورد و قتیکه نمای آن سازه بر
شماره ریشه بخش پذیر باشد . در این صورت میتوان آن سازه را بانمائیکه مساوی
بهر تقسیم نمای اول آن بر شماره ریشه است در بیرون ریشگی بصورت ضرب

۱- نقل از فیزیک وزارتى سال دوم دبیرستانها چاپ تهران ۱۳۱۹ ص ۱۱۷

۲- نقل از زمین‌شناسی « « اول « « ص ۱۹۹

نوشت . « (۱)

سازه	بجای	عامل	بخش پذیر	بجای	قابل قسمت
ریشگی	«	رادیکال	بهر	«	خارج قسمت
نما	«	اکسپوزان	بیرون	«	خارج
شماره	«	نمره			

نمونه (۵) :

« نیمساز گوشه بیرونی سه بر ضلع مقابل را بنسبت دو ضلع دیگر تقسیم میکند » (۲)

نیمساز	بجای	منصف الزاویه	بیرونی	بجای	خارجی
گوشه	«	زاویه	سه بر	«	مثلث

نمونه (۶) :

آگهی ...

« ... آقای محمد نونهال تهرانی وکیل دادگستری دادخواستی بخواسته ... ریال بطرفیت شما تقدیم دادگاههای تهران نموده که پس از طی تشریفات قانونی بشعبه ۵ دادگاه شهرستان تهران ارجاع شده است ... »

دفتر شعبه ۵ دادگاه تهران (۳)

آگهی	بجای	اعلان-اعلامیه	خواسته	بجای	مدعی به
دادگستری (۴)	«	عدلیه	دادگاه شهرستان	«	محکمه بدایت
دادخواست	«	عرضحال	دادگاه	«	محکمه

- ۱- نقل از کتاب جبر سوم دبیرستانها تالیف محمد وحید ۱۳۲۷ ص ۳۷
- ۲- « هندسه » « احمد بیرشک ۱۳۲۶ ص ۲۳
- ۳- نقل از روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران شماره خرداد ۱۳۲۹ ص ۳
- ۴- تقریبا تمامی واژه‌های مربوط بدادگستری رائج شده‌اند .

نمونه (۷) :

آگهی شماره ۵۱

« ... پس از تعیین برنده مناقصه سپرده برنده اول و دوم نگاهداری و سپرده‌های سایرین بلا فاصله مسترد خواهد شد. هر نوع مالیات و عوارض و سایر هزینه های دولتی که به پیمان تعلق گیرد و همچنین هزینه ثبت پیمان در دفتر خانه رسمی بعهده پیمانکار خواهد بود اداره سررشته داری آرتش در رد یا قبول يك یا كلیه پیشنهادات مختار است» (۱)

سپرده	بجای	ودیعه	پیمانکار	بجای	متعهد
هزینه	<	خرج	آرتش	<	قشون
پیمان	<	تمهد			



ناگفته نماند که تمامی واژه‌های نو رواج پیدا نکرد، حتی بیشتر آنها بموقع خود مورد اعتراض صاحب‌نظران واقع گردیده است.

اینك بعضی از لغاتی که استعمال آنها بندرت اتفاق میافتد درج میگردد:

آب باز	بجای	غواص	پوشینه	بجای	کپسول (۳)
آرامده	<	مسکن	پزشکخانه	<	مطب
اندورنه	<	احشاء	چنگار	<	سرطان
بادامک	<	لوزه	دژپیه	<	غده
بازگیری	<	مصادره	سرون	<	آنتن (۴)
بالارو	<	آسانسور (۲)	فراپازی	<	تصاعد
بزرگ سیاه رنگ برین «بجای» ورید			نزم	<	ابرخفیف
پروانچه	<	گواهی نامه	یارنگاه	<	پست امدادی - وغیره

باری فرهنگستان عیب بزرگ زبان فارسی را که بیسامان شدن قاعده‌ها و ازکار افتادن پیشوندها و پسوندهاست اصلا در نظر نگرفت و فقط در برابر هر یک از الفاظ خارجی واژه فارسی برگزید. و بدین طریق به پیراستن زبان از واژه‌های بیگانه پرداخت یعنی راه استقرا پیمود در صورتیکه اگر قاعده‌ها را همگانی و معنی پیشوند و پسوندها را روشن و جای بکار بردن هر یک را نیز مشخص میساخت، هم بسیاری از الفاظ خارجی بخودی خود از بین میرفت و واژه‌های پارسی جانشین آنها میشد و هم بیش از این میتوانست در راه پیشرفت زبان خدمت شایسته‌تری انجام دهد.

بغیر از پیراستن زبان از الفاظ نامتناسب خارجی در هر یک از قسمتهای دیگر (مخصوصا در جستجو و شناساندن کتب قدیم و تشویق بطبع و نشر آنها) نیز قدمهای بزرگی از طرف فرهنگستان و وزارت فرهنگ برداشته شد؛ ولی باید اقرار کرد که این موسسه علمی آنچنانکه منظور بود نتوانست نیت خود را عملی سازد و پس از ۹ سال خدمت بادییات کشور تعطیل کرد.

خوانندگان ارجمند بقیه این سلسله مقالات را در کتابیکه
 بعنوان: «تاریخ تحول نشر معاصر فارسی» قریبا
 منتشر میشود مطالعه خواهند فرمود.